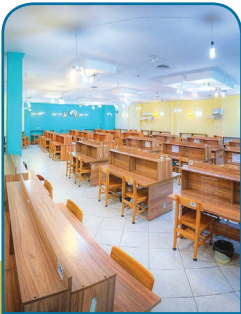


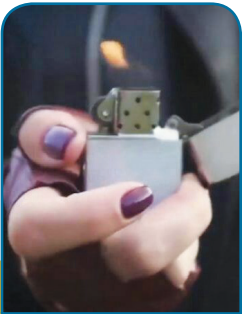
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : برای شهادت حسین علیه السلام ، حرارت و گرمایی در دلهای مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی شود.
منبع : (کتاب جامع احادیث الشیعه ، ج ۱۲ ، ص ۵۵۶)

برای اولین بار در کشور و پس از اخذ مجوز انجام شد؛
افتتاح سالن مطالعه عمومی عارف
در مشهد مقدس



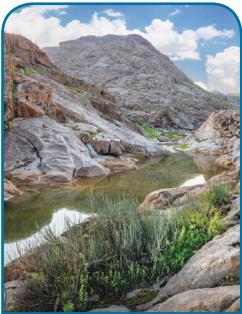
۱

فیلم کوتاه فندک
بیانگر آسیب های
ازدواج احساسی و
ناآگاهانه است



۴

هفت حوض،
طبیعت گردی در
نزدیکی یک کلانشهر



۴

یک شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۶ ذی الحجه ۱۴۴۱ - ۱۶ آگوست ۲۰۲۰ - ۴ صفحه - شماره ۱۷ - تک شماره ۲۰۰۰ تومان

اولویت استان جذب روان آب ها و آبرسانی به شهرها

« صفحه ۲



کدامین نسل سوخته است؟

« صفحه ۲

بایدها و نبایدهای شعر نو

« صفحه ۳

اشک های پنهان

« صفحه ۳

«نوشتدنی هفت ساله»

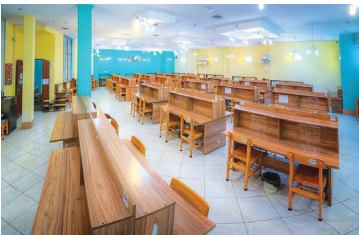
« صفحه ۳

قانون گریزی و بازتاب آن در رفتارهای مربوط به ترافیک در مشهد

« صفحه ۲

برای اولین بار در کشور و پس از اخذ مجوز انجام شد؛

افتتاح سالن مطالعه عمومی عارف در مشهد مقدس



اولین سالن مطالعه عمومی در کشور با طی مراحل قانونی و اخذ مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در مشهد مقدس افتتاح شد. بر اساس اختیارات بند ب ماده ۳ قانون تأسیس ونحوه اداره کتابخانه های عمومی کشور، با استناد به دستور العمل اجرایی نحوه تأسیس کتابخانه های عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی؛ اولین سالن مطالعه عمومی در کشور با طی مراحل قانونی و اخذ مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در مشهد مقدس افتتاح شد. بر اساس اختیارات بند ب ماده ۳ قانون تأسیس ونحوه اداره کتابخانه های عمومی کشور، با استناد به دستور العمل اجرایی نحوه تأسیس کتابخانه های عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی؛ اولین سالن مطالعه عمومی در کشور با طی مراحل قانونی و اخذ مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در مشهد مقدس افتتاح شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی؛ اولین سالن مطالعه عمومی در کشور با طی مراحل قانونی و اخذ مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در مشهد مقدس افتتاح شد. بر اساس اختیارات بند ب ماده ۳ قانون تأسیس ونحوه اداره کتابخانه های عمومی کشور، با استناد به دستور العمل اجرایی نحوه تأسیس کتابخانه های عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی؛ اولین سالن مطالعه عمومی در کشور با طی مراحل قانونی و اخذ مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در مشهد مقدس افتتاح شد. بر اساس اختیارات بند ب ماده ۳ قانون تأسیس ونحوه اداره کتابخانه های عمومی کشور، با استناد به دستور العمل اجرایی نحوه تأسیس کتابخانه های عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی؛ اولین سالن مطالعه عمومی در کشور با طی مراحل قانونی و اخذ مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در مشهد مقدس افتتاح شد. بر اساس اختیارات بند ب ماده ۳ قانون تأسیس ونحوه اداره کتابخانه های عمومی کشور، با استناد به دستور العمل اجرایی نحوه تأسیس کتابخانه های عمومی اداره کل کتابخانه های عمومی خراسان رضوی؛ اولین سالن مطالعه عمومی در کشور با طی مراحل قانونی و اخذ مجوز نهاد کتابخانه های عمومی کشور در مشهد مقدس افتتاح شد.

خبرنگاری پر زحمت و کم در آمد است



• تمدن

به مناسبت روز خبرنگار رئیس بنیاد شهید و ایثارگر منطقه سه مشهد به اتفاق دو تن از کارشناسان این بنیاد در محل دفتر هفته نامه ضامن خراسان شهادی مایس از گذشت سی سال مسائل حال جامعه را مطرح کرده اند و گویا الان اتفاق افتاده است. وی پیروی از ولایت فقیه و ادامه راه امام عزیز را از وصایای همه شهدا عنوان کرد. در جریان این بازدید و ادامه نشست، خانم سلیمانی به طرح مشکلات برخی از خانواده های شاهد و ایثارگران پرداخت و افزود: اشتغال و تسهیلات کسب و کار از مهمترین دغدغه های خانواده های این عزیزان است. در پایان حجت الاسلام موسوی پور با اهدای لوحی یکی از آیات قرآن از خدمات فرهنگی مدیر مسئول و کارکنان این نشریه تقدیر کرد.



به مناسبت عید سعید غدیر خم و ۱۷ مرداد روز خبرنگار، خانم محمدیان روشن، رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سرخس به اتفاق جناب آقای ابراهیم شریفی راد، شاعر اهل بیت استان با حضور در دفتر هفته نامه ضامن خراسان ضمن تبریک این ایام خجسته، جناب آقای شریفی راد فی البداهه ابیاتی را قرائت کردند که تقدیم می گردد: ولای مرتضی حصن حصین است
دل هستی به عشق او عجین است
علی ماه و نبی خورشید دین است
ز دید هر مسلمان خدا جوی

پرسیدم از خرد که به حق گو قرینه کیست؟
گفتا به حق که اینه حق نما علیست
علی مرات الحق
گفتم که شد ولی خداوند ذوالجلال؟
گفتا خدای را به خداوند علی ولیست
علی ولی الله
گفتم علی برای حق است حق از آن کیست؟
گفتا که حق همیشه و هر جای با علیست
علی مع الحق والحق مع العلی



شرکت بیمه نوین
نمایندگی مدنی ۳۳۸۸
مشاوره و صدور بیمه های:
عمر و بازنشستگی، مسئولیت، آتش سوزی، مهندسی
اتومبیل (ثالث و بدنه)، تامین آتیه فرزندان و...
مشهد: بلوار وکیل آباد ۳۰، بلوار حافظ، داخل حافظ ۵
تلفن دفتر: ۳۸۹۲۴۲۵۷ همراه ۰۹۱۵۵۲۱۷۰۷۳

#جیک #جیک
تولید کننده انواع پوشاک نوزاد و کودک
کلی
ارسال به سراسر کشور
@tolidi_jikjik
instagram.com/leve_chick
admin@tolidi_chick@
۰۹۳۵۴۸۶۷۴۱۰
جیک جیک مدای ماندگار دوران کودکی



به مناسبت روز خبرنگار و تجلیل از خدمات فرهنگی هفته نامه ضامن خراسان آقای دکتر سید حسین رئیس السادات عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی با حضور در محل دفتر نشریه از تلاش های فرهنگی این رسانه در شهر مشهد و سطح استان تجلیل کرد. وی با تبریک روز خبرنگار و سالگرد شهادت شهید صرامی انتشار نشریه را در شرایط کنونی کاری بسیار ارزشمند عنوان کرد و افزود: خدمات این نشریه به عنوان سند ارزشمند برای همیشه در تاریخ خواهد ماند و آیندگان به آنچه در این نشریه منتشر شده است استناد خواهند کرد و ی افزود: در گذر زمان ارزش این کار بیشتر می شود و ی پایان از تلاش های تمامی کارکنان و خبرنگاران هفته نامه ضامن خراسان تقدیر کرد.



**استخدام بازاریاب
مطبوعاتی**
به چند نیروی مجرب و پویا
در حوزه بازاریابی رسانه
نیاز مندیم. تلفن تماس:
۰۹۱۵۵۵۹۶۰۸۸

**سفارش آگهی در هفته نامه مستقل
ضامن خراسان با شماره های**
تلفن ۰۵۱-۳۸۷۸۵۰۵۳-۳۸۷۸۷۲۸۹
۰۹۱۵۵۵۹۶۰۸۸ و یا پست الکترونیک:
zamennews@gmail.com
تماس داشته باشید.

صدراه باریک

کدامین نسل سوخته است؟

- حسین تبریزنیا



یکی از شگفتی‌های خلقت ما ایرانیان آن است که به طور همزمان دو یا سه نسل را در کنار هم می‌بینیم که هر کدام (هر نسل) فقط خود را نسل

سوخته می‌داند و نسل‌های دیگر را خوشبخت، راحت و کامروا می‌خواند. طی ۶۰-۷۰ سال اخیر هرگاه با میانسالان و کهنسالان مواجه شده‌ایم و از آن‌ها خواسته اخیر درباره گذشته، چیزی بگویند و یادی از گذشته‌ها بکنند اغلب پس از نگاهی معنادار و کشیدن آهی بلند بالا به ما نگاه می‌کنند و می‌گویند: خوش به حال شما! درخوب زمانی زندگی می‌کنید. در زمان ما چنین امکانات واین چنین وضعیت و این گونه شیوه زندگی مرسوم نبود! ما خیلی سختی کشیدیم. کودکی و جوانی ما به تنگدستی، فشار و سختی گذشت. میانسالی ما هم تمامی با کار، زحمت و تلاش، سبری شد. ما هیچ چیز از دنیا نفهمیدیم. نه در کودکی و جوانی از زندگی لذت بردیم و نه حالا که پا به سن گذاشته‌ایم، چیزی برای ما لذت بخش است. خوشا به حال شما که امروزه همه چیز دارید و از همه چیز لذت می‌برید. "ما نسل سوخته‌ایم." این ترجیع بند، یادی از گذشته قدیمی، در کمال تعجب ما همواره شاهد سخن گلابه آمیز و ناله مانند جوانان در کنار آن‌ها بوده وهستیم. به این معنا و بدین مضمون که در عوض شکایت نسل‌های کهن از سختی‌های گذشته، نسل‌های جوان تر همزمان از وضع موجود و حاضر خود، ناراضی بوده و حسرت گونه خطاب به نسل گذشته می‌گویند: خوشا به حال شما که در گذشته‌ای خوب، شاد و شیرین زندگی کرده اید. هر کاری که دلتان می‌خواسته انجام داده اید، همه انواع تفریحات، آزادی‌ها و امکانات را داشته اید. هر کجا و هر موقع که خواسته اید، رفته اید و... "ما که نسل سوخته ایم!!" بدین ترتیب می‌بینیم که در بیشتر ادوار تاریخ معاصر و کنونی دویا سه نسل متفاوت در کنار هم خود را نسل سوخته می‌دانند. حال برای یک ناظر یا پژوهشگر اجتماعی این سوال مهم پیش می‌آید که به راستی کدام نسل را باید در جامعه ما نسل سوخته دانست. هم میانسالان و کهنسالان به دلیل شرایط سخت زندگی در گذشته ها و بهره نبردن از عمر خود، مدعی سوختگی نسل خود هستند، هم جوانان به دلیل محروم و معیون بودن از یک سری آزادی‌ها، امکانات و تفریحات، در حال حاضر خود را نسل سوخته می‌دانند. اگر چنین ادعاهایی را بپذیریم در آن صورت باید گفت که در جامعه ما همواره هر نسلی در عصر خود در حال سوختن بوده !! به عبارت دیگر آیا می‌توان گفت که همه نسل‌ها در همه عصرها در این‌جا سوخته اند؟ شگفت آور این که هر نسلی درست همان دوره ای را که نسل‌های دیگر برای خود، دوره بدبختی و انواع محرومیت‌ها می‌خوانند، دوره ای رویایی برای آنان می‌داند و تصویری بهشت گونه از موقعیت و شرایط زندگی نسل دیگر در ذهن خود دارد. هر کدام چنین تصور می‌کنند که دوره زندگی نسل‌های دیگر در شرایطی شیرین، زیبا، راحت و سرشار از کامروایی‌ها سبزی شده و یا در حال گذر است؛ اما دوره و نسل او سوخته است!! به راستی چرا ما ایرانیان چنین شده‌ایم که دائم یا باید افسوس گذشته را بخوریم وبگوییم: "هر چه آید سال نو" گوییم دریغ از بار سال" یا مدام بگوییم: " ما نسل سوخته ایم." بدون تردید چنین قضایاتی برای زندگی خودمان مایه تاسف است. سرزمین و مردمی که خود را یکی از ارکان تمدن بشری می‌داند چرا باید به چنین سرنوشتی دچار شود؟ یا آن ادعا عراق آمیز است یا فی الواقع اتفاقی در این جارخ داده که به چنین جایگاهی سقوط کرده‌ایم.

گفتگو با چهره ماندگار نیروی هوایی

سرهنگ ابراهیم جهان بخش متولد ۱۳۳۳ از سبگر تحصیلات در سرخس فرزند غلامحسین در سال ۱۳۵۳ در نیروی هوایی همافری استخدام و پس از گذراندن دو سال زبان و چهار سال تخصص هواپیمای F۱۴ در قسمت کارشناسی ارشد الکترونیک و الکتتریک. شانزده سال در اصفهان و هشت سال در شیراز انجام وظیفه کردم. از سال ۷۶ در مشهد مقدس فرمانده تعمیر و نگهداری هواپیماهای میراژ و F۵ بودم. در جنگ خلیج فارس تعداد زیادی هواپیماهای مختلف را صدام حسین به ایران فرستاد از جمله میراژ که مربوط به فرانسه بود. هیچ نشریه ای نداشتیم. بنده و چند نفر دیگر رفتم همدان و یک هواپیما را کاملاً اورهال کردیم و در تخصص خودم کتاب نوشتیم و کلیه هواپیماهای میراژ را آوردیم مشهد و با آموزش به جوان‌ها در مشهد مقدس پرواز کردند. سلاح این هواپیما را به ما ندادند. که الگو برداری موشک‌های هواپیماهای دیگر را با سیم کشی انجام دادم. پروژه های خیلی سنگین بعد از زمان جنگ هواپیماهای T۳۳ از تهران به اصفهان آوردیم و اورهال کردم. در سال ۱۳۸۴ با ۳۱ سال خدمت با درجه سرهنگی بازنشسته شدم. چون به بنده نیاز داشتند دوازده سال خرید خدمت جهت اورهال هواپیماهای میراژ در مشهد مقدس انجام وظیفه کردم و مجموعاً ۴۳ سال خدمت کردم. تخصص اصلی من هواپیمای جنگنده تام کت F۱۴ است. به جز هواپیمای اف چهارده که حدود بیست سال پرواز دادم و کارهای اورهال انجام دادم، روی هواپیماهای F۴۵ هواپیما T۳۳ را هم اورهال کردم. در مشهد مقدس پایگاه شهید حبیبی، میرازهای عراقی که نشریه نداشتند، از همدان به مشهد آوردیم و برای‌شان کتاب و نشریه جهت تخصص خودم تهیه کردم. چون تحریم بودیم هواپیمای میراژ فرانسوی بود نه نشریه داشتیم و نه جزوه. مجبور شدیم تهیه کنیم و هواپیماهای زمینگیر را یکی یکی به پرواز در آوردیم و کاملاً هواپیماها را تکه تکه کرده یعنی اورهال کامل کردیم و به جوان‌ها آموزش دادیم. اسلحه بالان پییمانکار مشغول به کار است و هواپیماها سر بال این هواپیما، موشک سوار کردم. خدا را شکر تا زمانی که در خدمت بودم زحمت کشیدم و آموزش دادم.

همه ساله جان تعداد زیادی از انسان ها در ایران، ناشی از تصادفات وسائط نقلیه اعم از خودرو و موتورسیکلت گرفته می‌شود. اگرچه در دهه ۸۰ تعداد کسانی که سالانه جان خود را در این راه از دست می‌دادند به عدد ۲۸ هزار نیز رسید ولی خوشبختانه با وجود افزایش تعداد خودروها در کشور، در سال‌های جاری، تعداد مرگ و میرهای ناشی از تصادفات به زیر ۱۵ هزار رسیده است که جای خوشوقتی دارد. با این وجود هنوز هم رقم تلفات انسانی تصادفات در ایران نسبت به استانداردهای جهانی، بسیار بالاست و هنوز راه درازی در پی است تا این عدد به حداقل ممکن برسد.

یکی از نقاط مهم تلفات انسانی ناشی از تصادفات، کلانشهرها به ویژه تهران و پس از آن مشهد است. در این نوشتار کوتاه، نگاهی به همین موضوع داریم.

مشهد کلانشهری مذهبی با حدود ۳/۳ میلیون نفر جمعیت و ۶۳ کیلومتر بزرگراه است که سالیانه حدود ۴۰۰ نفر در تصادفات شهری، جان خود را از دست می‌دهند. در دو دهه گذشته سالانه بالغ بر ۵۰۰۰ تصادف در شهر مشهد رخ داده است و به عنوان مثال در سال ۱۳۸۶، تعداد ۱۰۸ تصادف منجر به فوت و تعداد ۷،۵۳۲ تصادف منجر به مجروح شدن شهروندان شده است(۱).

در یک مطالعه پیمایشی که اوایل دهه ۹۰ در مشهد صورت گرفته، مشخص شده که اهمیت حل مشکلات مربوط به ترافیک مشهد از نظر ۱،۵/۶ درصد شهروندان در حد بالا، ۱۸،۵ درصد در حد متوسط و فقط ۱/۲۰ درصد دیگر در حد پایینی است. اهمیت میزان تصادف ماشین‌ها از نظر ۲،۵ درصد شهروندان در حد بالا، ۲۴،۶ درصد در حد متوسط و فقط ۲،۲۵ درصد دیگر در حد پایین‌است(۲).

همچنین ۷۰ درصد کشته شدگان سرپرست

خانواده هستند که با مرگ و از کارافتادی آن‌ها پيامدهای ناگواری گریبانگیر خانواده‌های‌شان می‌شود و بعضاً به سمت فقر و تنگدستی پیش می‌روند. چه بسا معلولیت‌های جسمی و نقص عضو و دردهای مزمن مجروحان تصادفات را نندگی، سلامت روان آن‌ها را نیز به خطر می‌اندازد.

جدول تعداد کشته‌های ناشی از تصادف وسایط

سال	مرد	زن
۱۳۸۴	۳۸۷	۹۷
۱۳۸۵	۳۲۹	۹۶
۱۳۸۶	۳۲۵	۹۴
۱۳۸۷	۳۵۱	۱۰۳
۱۳۸۸	۳۲۹	۱۱۰
۱۳۸۹	۳۵۹	۹۱
۱۳۹۰	۲۹۳	۷۶
۱۳۹۱	۲۵۴	۶۰
جمع	۲۰۸۰	۵۹۱

جدول بالا نشان می‌دهد که طی دوره یاد شده ۷۸ درصد کشته شدگان ناشی از تصادفات در شهر مشهد را مردان و ۲۲ درصد را زنان تشکیل داده‌اند.

از ویژگی‌های رانندگان شهر مشهد این است که به دلیل کسب آموزش‌های اجباری توسط مربیان حرفه‌ای از مهارت‌های خوبی در کنترل خودرو برخوردار هستند؛ اما در مهارت‌های مربوط به رفتار رانندگی کاستی‌های زیادی دارند. رانندگان در مشهد در توانایی‌های حفظ سرعت مجاز، حفظ فاصله و تمرکز بر عمل رانندگی ضعیف هستند. تغییر برخی از باورهای نادرست و تلقین‌های بی‌مورد در فضای کنونی الزامی است و باید از طریق گسترش و توسعه جنبه‌های مثبت رانندگی به جای القای جنبه‌های منفی به یک الگو ترافیکی در کشور تبدیل شویم(۳).

ضرورت تأثیر گذاری فرهنگی به ویژه با استفاده

از آموزش های همگانی باعث گردیده تا مدیریت شهری در مشهد اقدام به راه اندازی فرهنگسرای خاصی با عنوان ترافیک کرده است. هر سه سال و نیم به میزان کل جمعیت ایران مسافر وارد شهر مشهد می‌شود. طبق آمار در سطح شهر حدود یک میلیون و ۲۵۰ هزار خودرو دارای پلاک مشهد وجود دارد که در روزهای عادی نیز با توجه به ظرفیت کم هسته مرکزی شهر و حجم بالای خودرو، شهر مشهد با ترافیک مواجه می‌باشد. (۴). مدیران شهری در مشهد بر این باورند که مسافرپذیری، بیماری قانون گریزی را در مشهد شدیدتر کرده است. شهرهای توریستی و مذهبی به دلیل پذیرش زیاد مهاجر و مسافرپذیری، عموماً بیشتر با پدیده قانون گریزی درگیر هستند. نبود ثبات در ساکنان، خود به خود رعایت قانون و نظارت بر آن کم‌رنگ‌تر می‌کند. زیرا افراد در

پی نوشت:

۱- آمارنامه شهر مشهد، ۱۳۸۶

۲- پژوهش دکتر حسین بهروان، استاد جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

۳- www.shahrebehesht.ir

۴- www.mashadgardi.com

۵- فرهنگسرای ترافیک در بهمن ماه سال ۱۳۹۱ با زیربنای ۱۲۰۰ متر مربع دارای بخش هایی از قبیل کلاس آموزشی، آمفی تئاتر، اتاق جلسات و اتاق کارشناسی افتتاح گردید. مأموریت فرهنگسرای ترافیک ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ترافیک با تاکید بر اخلاق اجتماعی و افزایش روحیه قانون گرایی است و اهداف و رویکردهای سه گانه زیررا دنبال می‌کند:

۱- تغییر نگرش رفتارهای ترافیکی با بهره گیری از تعالیم دینی

۲- افزایش دانش شهروندان در جهت پیشگیری و کاهش آسیب های رانندگی و افزایش ایمنی در ترافیک

۳- ارائه الگوهای مناسب از سبک رانندگی و عبور و مرور در محیط‌های شهری

اهم فعالیت های فرهنگسرای ترافیک علاوه بر انجام برنامه‌های عمومی و جاری در سطح منطقه، خدماتی است که به صورت ویژه در گستره شهر مشهد ارائه می‌نماید که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
اجرای طرح انضباط ترافیکی، پیاده سازی اقدامات در حوزه فرهنگ سازی ترافیک به صورت آزمایشی بر روی ده خیابان پرتردد شهر مشهد مقدس با همکاری پلیس راهنمایی و رانندگی، سازمان ترافیک، اتوبوسرانی، تاکسیرانی، ارکان‌های شهری همچون بیلورد، تلویزیون شهری، جشنواره موضوعی و پخش برنامه‌های رادیویی و همکاری با سازمان‌های مختلف اثر گذار در حوزه ارتقای فرهنگ ترافیکی.

گزارش

اولویت استان جذب روان آب ها و آبرسانی به شهرها

- نویسنده: محمد علی تمدن



رودخانه شورلق که از کوه‌های مزدوران منشعب می‌شود مطالعاتش انجام و برای اجرای آن یک میلیارد تومان در سال ۹۸ اعتبار داشتیم که انجام شد و شامل اجرای گابیون بندی و سنگ و ملات با حجم عملیات ۲ هزار و ۵۰۰ مترمکعب گابیون شامل ۱۵ سازه ۳ و ۲ متری و بیش از ۳۰۰ متر مکعب سنگ و ملات ۶ متری و یک بند در حوضه آبخیز چکودر و شورلق با هزینه بیش از یک میلیارد با ۱۵ بند گابیونی که تا پایان سال مالی به انجام می‌رسد و ۹۰ هکتار بدر کاری و بوته کاری در حوضه آبخیز شورلق ۵۵۰ متر مکعب گابیون شامل ۳ سازه دو متری حوضه آبخیز شورلق دو یا بزنگان که در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. همچنین ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان برای مقابله با ریزگرذ در چاله زرد و دق بهلول هزینه کردیم که ۴۰۰ هکتار نهالکاری تاق و ۴۵۰ هکتار مدیریت هرزآب و ۳۵ کیلومتر کانال و خاکریز طرح رسوبگیر انجام دادیم. وی افزود: به‌طور متوسط عملیات آبخیز داری در هر هکتار از روان آب شدن حدود ۵۳۰ متر مکعب آب جلوگیری کرده‌وان ها را کنترل و در سفره آب‌های زیرزمینی ذخیره می‌کند.

معاون طرح و توسعه شرکت آب منطقه‌ای استان

خراسان رضوی به ضامن خراسان گفت: در سال

های اخیر سدهای زیادی برای مهار روان آب ها

ساخته شده است. مانند سدهای ایبورد، چهچه،

قره تیکان و سد درحال ساخت شورپجه که در این

زمینه کارهای خوبی انجام شده است و مطالعات

آبرسانی از شورپجه برای شبکه سد دوستی در حال

انجام است‌والان شبکه‌های چهچه وقره تیکان آماده

است.

مهندس حسین علیمیرزایی افزود: ما شبکه‌های

درجه یک‌و دو را در شبکه دوستی داریم کار می‌کنیم

که تا سال ۱۴۰۰ و حداکثر اواخر آن سال، تکمیل

می‌شود. شبکه سد چهچه تمام شده و آماده تحویل

گذر، به شهر تعلق خاطر کمتری داشته و همچنین امکان نظارت رسمی و غیر رسمی بر رفتارهای آنان کمتر است. بنابراین در شهری

مانند مشهد ضروری است که

اعمال قانون شدیدتر و نظارت بر اجرای آن قوی‌تر

باشد.

براساس اعلام رسمی پلیس راهور، حدود ۷۰

درصد تلفات انسانی ناشی از تصادفات در ایران

مربوط به عامل انسانی، ۲۰ درصد خودرو و ۱۰

درصد جاده است‌ولی به نظر می‌رسد عامل انسانی

در درون کلانشهرهای کشور سهم بیشتری را به

خود اختصاص می‌دهد. بنابراین تاکید بر رعایت

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی از طریق

فعال شدن نهادهای مردمی، آموزش شهروندی و

ترویج قانونگرایی یک ضرورت اساسی است.

« قرنطینه

باورش سخت است بدون این که کاری بکنی یا حرفی زده باشی، کسی بیاید و بگوید از امروز همه آزادی‌هایت را می‌گیرم و این که زندگی‌ات باید بعد از این در چارچوب خانه‌ات باشد. این را نه این‌که یکی گفته باشد یا تو او را با چشمانت دیده باشی بگوید و برایش مهم نباشد که چه آشوبی را در دل و جان‌ت انداخته است...

اول باور نمی‌کنی و می‌خندی. به دوستان‌ت و به فامیلت و همه کسانی که با آن‌ها در ارتباطی زنگ می‌زنی.

کم کم باور می‌کنی اخبار ایران و جهان همه یک صدا شده‌اند و تو را به نشستن در خانه دعوت می‌کنند.

خانه‌ات را با قدم‌هایت متر می‌کنی. حالا باید روزها و شاید ماه‌ها، محدوده زندگی‌ات آپارتمان باشد. حالت خوش نیست. یکباره باید همه دلخوشی‌هایت را ترک کنی. ورزش، پیاده‌روی، جلسه‌های ادبی و دیدن دوستان‌ت و گم شدن در ازدحام مردم و همه‌همه بازار؛ آرزوی بیرون رفتن با خانواده‌ات و غذا خوردن در رستوران‌های شهر یا خارج شهر.

انگار پایان خوشی‌هاست. باورت نمی‌شود خانه تنها جای امن زندگی‌ات باشد، آن‌هم چندان معلوم نیست.

تمامی زندگی‌ات بوی الکل و وایتکس می‌دهد. قرمزی پوستِ دست‌هایت و عطسه‌هایت بیشتر شده است.

شاید زندگی دارد تغییر می‌کند و پوست می‌اندازد. شاید خدا از دستِ آدم‌هایش خسته شده است. پیام زنده ماندن، ترکِ آدم‌هاست و قرنطینه‌خودت. هر چه کمتر ببینی، بیشتر زنده می‌مانی! سخت‌ترین روزها برای فرشتگان سفید پوش است. پزشکان و پرستارانی که نمی‌توانند در قرنطینه بمانند.

تو هم فرشته‌ای، تو هم مادری؛ وقتی همسرت

طنز

میخکوب «**نوشیدنی هفت ساله**» بوپپچک

بوپپچک ناخوش احوال شده بود. دیگر آن بوپپچک اول نبود. نوبت گرفت و به دارالشفای حکیم باشی رفت.

حکیم باشی نبض بوپپچک را گرفت. باز زبان و سفیدی چشمانش را از نظر صائب گذراند و سر جنباند، سپس بشین- پاشو داد. نفس کم آورد و به هن و هن افتاد. پشت گوش هایش عرق کرد و هکذا به پیشانیش عرق سرد

خسته از مطب برمی‌گردد و می‌فهمی ممکن است آلوده باشد. میل دو نفره‌ات را ترک نمی‌کنی. کنارش می‌نشینی و چایی را داغ و جرعه جرعه مزه مزه می‌کنی و تمام حرف‌هایت را با فنجان چایی‌ات قورت می‌دهی و جایش یک لیخند می‌زنی.

شهر در سکوت، در دلتنگی‌ها، ندیدن‌ها، نرفتن‌ها و ماندن‌ها روزهایش را سپری می‌کند. برای اولین بار حس مشترک بین آدم‌ها را با تمام وجودت درک می‌کنی. پنجره‌ها را بیشتر می‌گشایی تا بهتر ببینی. پنجره‌های وجودت، چشمانت است و پنجره‌های خانه‌ات، جایی برای عبور نگاهت به آسمان، به کوچه و هیاهویی که دیگر نیست.

پای تلویزیون نشستن و چشم به اوضاع جهان دوختن کم کم خسته‌ات می‌کند. اردیبهشت است باران می‌آید. صدای آواز پرنده‌ها و شُرشر باران تورا از خانه‌ات بیرون می‌کشد.

باید بروی، باید تمام شهر را با قدم‌هایت گز کنی. با ماسک، دستکش، عینک و هر چه که تورا مصون کند اما باید بروی.

می‌روی و از دریچه چشمانت می‌بینی که قشنگ‌ترین چیزهای دنیا را هنوز داری.

آسمانی برای دیدن و تفکر کردن، نسیم دلکش بهار، بوی عطر بهارنارنج و گل‌های یاس و بارانی که بی‌منت آلودگی‌ها را می‌شوید و با خود می‌برد. به خانه که برمی‌گردی، حالت خوب است. این را بچها از شوقِ چشمانت و یکریز حرف زدن‌ت می‌فهمند.

بوی خوشِ غذایت توی آشپزخانه پیچیده است.

بچها که جمع می‌شوند و همسرت می‌آید، بیشتر از هر وقت می‌فهمی عزیزترین کسانت همین‌ها هستند.

همین تعداد به ظاهر اندک که در کنارشان روزهای سخت قرنطینه را پشتِ سر خواهی گذاشت.

« موج دوم

قرنطینه اول با نیمی از فصل زمستان و ماه‌های بهار، ظاهراً به پایان رسید. آرام آرام بازارها، مراکز

اشک‌های پنهان

خريد، رستوران‌ها و مساجد باز شدند. شهر دوباره جان گرفت. مردم از قرنطینه، ایستادن پشت پنجره‌ها و روی بالکن‌ها خسته شده بودند.

فرصتی بود برای خريد و دور زدن و تماشا کردن. نیمه‌های خرداد بود. به گمانم فراموش کرده بودیم که احتیاط شرط عقل است.

می‌خواستیم روزهای سخت تنهایی را که پشت سر گذاشته بودیم، با دیدارها و بیرون رفتن‌مان در آخرین روزهای بهار، جبران کنیم. غافل از این‌که ویروس در کمین‌مان بود. انگار صدای خنده‌های‌مان را شنیده بود و ما صدای قهقهه شیطانی و مرکب‌ارش را...

ماسک‌ها دوباره روی صورت‌های‌مان برگشت و وضعیت سفید دوباره به وضعیت قرمز تبدیل شد. این بار جز تعدادی اندک، هیچ‌کس خودش را در خانه حبس نکرد. برای همین کم کم کرونا همه‌گیر شد. معلوم نیست در قرنطینه اول بر روح و روان‌مان چه گذشت، که موج دوم را جدی نگرفتیم، حتی به قیمت جان‌مان.

شاید تصمیم گرفتیم همه مبتلا شویم. بیمار شویم و اگر سلول‌های بدن‌مان نتوانستند مقاومت کنند، تسلیم شویم و بدون هیچ اعتراضی بمیریم.

نسلی که وابسته به اینترنت و دنیای مجازی‌است امیدوار و پویا و نسل گذشته، نسل گرفتار در سنت‌های دست و پاگیر و خرافه‌های فراموش نشده که رو به انقراض یا سازش است. فرهیختگان در حال سازشند و مدعیان در حال مقاومت.

اگر دانشمندان در ساخت واکسن، عاجز بمانند و کرونا به‌عنوان یک بالای طبیعی باقی بماند، دنیا به سمتِ تغییری شگرف پیش خواهد رفت. انسان‌های تنها، زندگی‌های دو نفره یا تک نفره و آنلاین بودن به معنای حضور فیزیکی مطرح خواهد شد.

مصلحین و دانشجویان، دارای تفکری نو و رها خواهند بود. تفکری که بین آن‌ها و نسل گذشته، شکافی عمیق تر نسبت به قبل از لحاظ فکری و عاطفی به وجود خواهد آورد.

و اما...

جلو چشمانش رژه می‌رفتند.

سرخس، نیشابور، طوس، ری، تبریز، بندر و فارس.

فارس! فارس! شیراز و رند شیراز و این بیت الغزل به خاطرش آمد:

توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند!

چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند!

سپس شمایل نصرالدین، همسایه پشت به پشت منزلش جلو چشمانش آمد.

بوپپچک در بیت نصرالدین ا دق الباب کرد.

نصرالدین در را باز کرد، بوپپچک سلام کرد.

– سلام علیکم و رحمه الله، همشهری گرامی اوامرتان؟!

بوپپچک، شرمسار، چشمانش را به نوک کفش هایش دوخت و شرح ماقع را عرض کرد و گیر می‌آید که تازه هفت ساله هم باشد!!!!

آخر الامر تیر به تاریکی انداخت و گفت: استغفرالله،



• زهرا شفعی

فرداها، روزهایی که ما نیستیم شاید یک کلبه برای شروع یک زندگی کافی باشد و دوست داشتن و عشق، تنها شرط ادامه زندگی.

قدم می‌زنم، قدم می‌زنیم، تماشای مردم و شنیدن حرف‌هایشان گویای حال و هوای شهر است. زمزمه‌ها و نگاه‌های نگران کسبه را در یک نگاه می‌توان درک کرد.

مثل روزهای اردیبهشت، باران نمی‌آید. هوا گرم و جانسوز است و کرونا جانسوزتر. فرضیه‌ها و پیش بینی‌ها مبنی بر این‌که هوای گرم، ویروس را نابود می‌کند، اشتباهی بیش نبوده. هیچ‌کس نمی‌داند چه خواهد شد. ویروس، جان تازه‌ای گرفته و جولان می‌دهد. تله موشی است پنهان، منتظر شکار. تله موشی که روح دارد و باهوش تر و صبورتر از شکارش عمل می‌کند.

پیشگیری کردیم، مقاومت کردیم؛ اما به اجبار یا اختیار تسلیم شدیم. ویروس درست مثل زلزله‌ای بر سرمان آوار شد. زلزله‌ای با ریشترهای متفاوت، گاه خفیف و گاه مرگ‌بار.

دسته دسته مبتلا می‌شویم و گروه گروه سرخوشانه از قرنطینه خارج می‌شویم. حال‌مان ظاهراً خوب است. دیگر برای روزهای آینده نمی‌توان نقشه کشید. باید در اکنون زندگی کرد. برای خندیدن، نفس کشیدن، انرژی دادن و انرژی گرفتن فقط اکنون برای‌مان ارزشمند است.

این‌که همیشه دنیایی برای ادامه رویاهای‌مان وجود دارد. دنیایی که متعلق به خودمان است . حریمی که هیچ‌کس نمی‌تواند تصاحبش کند.

چه زیبا پروردگار گفته است که همه گناهان را می‌بخشد الا ناپمیدی را.

با آن‌که می‌دانم زندگی به موازات مرگ ادامه دارد؛ اما زندگی را با تمام پستی و بلندی‌هایش می‌پرستم.

پس قدم می‌زنم با پاهایی که معجزه خداوند است و گاه با کلمه‌هایی که دوست‌شان دارم. کلمه‌ها، گام‌هایی رو به جلو هستند که در خطی طولانی و منسجم معنا می‌یابند و جاودان می‌شوند.

گفتم شاید نوشیدنی هفت ساله داشته باشید، برای علاج درد بی درمانم می‌خواهم.

نصرالدین، بوپپچک را عدل وردن‌از کرد و رک و راست گفت: همشهری گرامی، درست آمده اید، دارم، هفت ساله اش را هم دارم، در ضمن جنس فرد اعلا‌ی خانگی هم هست، ولی اگر می‌خواستم به غریبه‌ها بدهم که هفت ساله نمی‌شد.

دیگر این که برادر، خودم تصلب الشرائین دارم، حکیم باشی تجویز کرده است:

هر شب همراه با تنالول بلدرچین سوخاری، بینی‌ام را بگیرم، چشمانم را ببندم و یک جام نوش جان کنم، خدا خواسته باشد تندرستی‌ام را به دست می‌آورم.

چون کلام ملا منعقد شد، آب بر سر بوپپچک یخ کرد و در جا میخکوب شد. نسخه ی بدل:

۱-ملاقه ۲_سکوپ کرد

آموزش خصوصی نقاشی و طراحی

روی پارچه

مدرس: الهام مفتوحی

۰۹۱۵۵۲۴۶۴۲۸

تماس حاصل فرمایید

اینستاگرام: elham_canvas



آموزش نقاشی و طراحی روی پارچه

• **مدرس: الهام مفتوحی**

«**فصل سیزدهم: زیر سازی مخمل**

وسایل مورد نیاز: کارگاه گلدوزی، اورینت، بیندر، رنگ پارچه یا اکریلیک، قلمو در سایزهای مختلف، کاربن، پالت تخم مرغی و پارچه مخمل.

در ابتدا در خواب راه پارچه مخمل طرح را کپی کنید با کاربن و در ابتدا روی خطوط را با بیندر دورگیری کنید و پس از این که کاملاً خشک شد دورگیری با اورینت (چنانچه اورینت شما غلیظ بود با آب رقیقش کنید) پس از خشک شدن کامل دورگیری روی خطوط می توانید برای سطح رنگ پذیر، بیندر را حلال در آب کنید و کاملاً روی سطح کپی شده را پوشش دهید. خطوط اورینت برایتان مشخص می شود . حتما مطمئن شوید که کاملاً بیندر نفوذ پیدا کرده. برای اطمینان می توانید یکبار دیگر هم بیندر در آب را تکرار کنید. دقت کنید حتما بیندر یک واحد با پنج واحد باشد . منظور حلال بودن بیندر می باشد.

سودو کونشر به شماره ۱۷

		۷		۵	۴	۲			
			۶	۲	۳		۴		
			۳			۹		۸	
					۱				
		۲						۱	
				۵	۷		۹		
					۷	۹			۳

۷	۸		۹						
	۵						۴		
		۷	۸			۱			
۴			۳						
	۶		۹						
۵			۶						
	۲		۸						
	۹								
۳	۴								

جواب سودو کونشر به شماره ۱۶

۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		
۲	۹	۴	۳	۵	۷	۸	۱۶		

جام جم

بایدها و نبایدهای شعر نو

• **دکتر اکبر شعبانی**



"بخش سوم"

ادامه شماره قبل

حال که پذیرفتیم قالب نوعیج تضاد و تقابلی با شعر سنتی فارسی یا همان قالب کهن ندارد و تنها به قصد خدمت و در راستای گسترش و بالندگی و ماندگاری آن یا به میدان گذاشته است و نوزاد خلفی است که از بطن دیرینگی اسالیب کهن سر بر آورده و نیاز به حمایت و مراقبت دارد، گام اول شناخت و معرفی هر چه بیشتر و بهتر آن است.

گفتنی است، شعر نو، اگر چه به عنوان یک نیاز تازه، حاصل تحولات اجتماعی و فکری و فرهنگی دوران اخیر کشور ماست، اما در عین حال تاثیر ادبیات حوزه غرب بخصوص فرانسه در آن قابل چشم پوشی نیست که علاوه بر محتوا از لحاظ فرم و قالب نیز شعر فارسی را تحت تاثیر قرار داده است.

شاید مخالفت برخی با شعر نو همین بی ضابطگی ظاهری آن است، بدین معنا که حد و مرز مشخصی در مقایسه با شعر کهن برای آن نمی بینند و حق هم دارند زیرا، تا به حال به صورت دقیق و علمی به این مساله پرداخته نشده و در مقایسه با شعر سنتی کاملاً بی ضابطه می نمایم و متأسفانه برخی نیز با تکیه بر همین باور غلط در گذشته و حال به خود اجازه داده اند، آثاری را روانه بازار کنند که تنها به از میان برداشتن تفاوت بین دوغ و دوشاب کمک کرده است.

شعر کهن دارای قاعده و قانون است و رسالات متعددی از گذشته های دور تا به امروز درباره آن به رشته تحریر در آمده است و در باب ارکان و اجزای مختلف آن به حد اشباع بحث شده، به گونه ای که هر کس پا در دایره شعر کلاسیک می گذار د، خواه نا خواه بر بسیاری از قواعد و مقررات آن مسلط است و اجازه عدول بی قاعده و خودسرانه از قواعد آن را به خود نمی دهد. اما در شعر نو هرگز این گونه نیست، گرچه اهل فن می دانند چه می کنند و چه باید بکنند، اما تا به حال به خود حمت نداده اند به طور جامع به تدوین قواعد آن بپردازند. آنچه هست، اطلاعات پراکنده و غیر مدونی است که به طور سلیقه ای وبه عنوان نظرات اهل فن در اینجا و آنجا مشاهده می شود. شاید هم هنوز زمان آن فرا نرسیده و ادامه لرزه ای که از سقوط این سطره عظیم در دریای ژرف شعر فارسی ایجاد شده، امکان ارزیابی دقیق آن را به کسی نمی دهد.

به هر حال جدای از این مساله، بخصوص به منظور جلوگیری از سوء استفاده برخی و در جهت هدایت شاعران جوان مملکت که سرمایه های آینده شعر فارسی هستند، لازم است هر چه زودتر این کار صورت گیرد و از طریق کتابهای درسی در اختیار نسل جوان قرار گیرد تا معیار مشخص و روشنی برای ارزیابی شعر نو در دسترس گویندگان و خوانندگان باشد. البته ناگفته پیداست منظور از قواعد و قوانین، به رشته کشیدن انبوهی از تعاریف ذهنی و غیر ملموس که باعث سردرگمی خواننده شود نیست، بلکه باید با تکیه بر ذوق سلیم و بر مبنای واقعیات شعر راستین معاصر به ساده ترین شکل و با ارائه زیباترین و دلنشین ترین الگوها و نمونه ها و در قالب ساده ترین عبارات به استخراج و ارائه قواعد و ضوابط آن پرداخته شود. نا گفته نماند در سالیان اخیر در کتب درسی مباحثی با عنوان شعر نو با وزن نیمایی، بسیار به اختصار کنجاند شده که به هیچ وجه پاسخگوی عطش سیری ناپذیر طالبان جوان آن نیست. آوردن یکی دو صفحه مطلب کلی و کلیشه ای به منظور آشنایی دانش آموزان با شعر نو در یک کتاب مثلاً دویست صفحه ای دردی را دوائمی کند.

عدم توجه به قالب نیمایی و عدم آشنایی دانش آموختگان حتی در رشته ادبیات فارسی که ریز درشت عروض و قافیه و بدیع و معانی و بیان سنتی را بارها و بارها خوانده اند تأسف برانگیز است. چرا باید دانشجویان شعر کهن همه چیز بداند و درباره این الگو و قالب جدید هیچ نداند؟ آیا باید زمان بگذرد و نو کهنه شود تا به شناخت و چندو چون کمی و کیفی آن بپردازیم؟

بر واضح است، هدف از این سخن به هیچ وجه بی توجهی به قواعد و ضوابط شعر کهن نیست بلکه هدف، قائل شدن سهمی شایسته در برنامه درسی مدارس و دانشگاه ها بخصوص برای شعر نو و معرفی درست و علمی آن است و گر نه معرفی یک صفحه ای شعر نو در کتاب پیش دانشگاهی رشته علوم انسانی و آوردن همین مقدار مطلب در کتاب فارسی عمومی دانشگاه و تکرار: می تراود مهتاب،

می درخشد شبتاب،

نیست یکدم شکند خواب به چشم کس و لیک،

غم این خفته چند،

خواب در چشم ترم می شکند. (۱)

به عنوان مثال، بدون هیچگونه توضیح قابل قبولی، معنایش به هیچ وجه پرداختن به شعر نو نیست.

من می ترسم ناصد سال بر شعر نو بگذرد، و باز هم " می تراود مهتاب " نیما شاهد مثال شعر نو باشد.

همچنان که در زمینه بلاغت و برای مثال تنافر حروف بیش از هزار سال است بیت عربی عجیب و بی محتوای:

و قَبرِ حربِ بمَكانِ قَفرٍ و لیسِ قَربِ قَبرِ حَربِ قَبرِ

را همچنان نقل می کنیم و عجیب اینکه در آثار بلاغی معاصرین نیز همین شاهد مثال به چشم می خورد. (۲)

۱- زبان و نگارش فارسی، حسن احمدی گیوی و دیگران.

۲- جلال الدین همایی، معانی و بیان، زین الدین جعفر زاهدی، روش گفتار.

ادامه مطلب در شماره بعد.

غزلی با ردیف خون

• **دکتر اکبر شعبانی**

شرح این ماجرا به خون بنویس
در نماز آی و سرنگون بنویس
از کفن های لاله گون بنویس
قصه بخت بد شگون بنویس
از جفای سپهر دون بنویس
از بهین هدیه قرون بنویس
از ناشبور و کازرون بنویس
از قدح های واژ گون بنویس
از کم و کیف و چندو چون بنویس
گریه کن از غم درون بنویس
پرده از کار دوستان بردار
عقل بگذار و از جنون بنویس
کم ز افسانه و فسون بنویس
از همین لحظه، از اکنون بنویس
همتی کن زحد فزون بنویس
غزلی با ردیف خون بنویس

ای قلم ! قصه جنون بنویس
از هیوط ستاره ها بر خاک
از جوانان غرقه گشته به خون
درد دارد دلم ، روایت کن
از جگر های پاره پاره خلق
از وطن این ودیعه دیرین
از سپاهان بگو و از تبریز
از سکوت شرابخانه بگو
سفره خالی خلائق بین
خنده تلخ من نه از شاداست
پرده از کار دوستان بردار
آه ، دیوانه می شوم کم کم
چنگ در حلقه حقیقت زن
حرف پیرار و پار را بگذار
خسته ای، خسته، خوب می دانم
گر چه تکرار قافیه عیب است

رواق



گنبد حرم رضوی، ادامه مطلب

• دکتر سید حسین رئیس السادات



اینک به این سخن پر از رمز و راز می‌پردازیم که مزار معرفت ساز حضرت و نه گوهر بار، چرا در گوشه‌ای از چهار تاق قرار گرفته است. بدون شک از قرن چهارم به بعد دنیای عرفان و تصوف و خانقاه و زاویه نشینی در کشورها و مناطق شرق عالم اسلامی و ایرانی به تدریج شکل گرفت و گسترش یافت. اگر چه عرفان اسلامی و ایرانی با عرفان گنوسی در غرب ایران و عرفان هندی در شرق تفاوت‌های اساسی دارد و مبتنی بر قرآن و حدیث می‌باشد و همه فرقه‌های عرفان و تصوف پیشوا و قائد و رائد خود را امیرالمومنین علی بن ابیطالب میدانند اما وجه تشابهی بین همه فرقه‌های اسلامی و غیر اسلامی و حتی نحله‌های اسلامی وجود دارد و آن رسیدن به صلح کل و توسع اعتقادی و خود سازی و مصون سازی نفس از هواها و تمنیات نفسانی و به هر حال دور شدن از خور و خواب و شهوت، شغب است و مستی است و چهل و ظلمت، و تزکیه نفس است. این مقدمه از اینرو مطرح شد تا تفکرات زائر رضوی را در آن قرون نخستین و سازنده هر بنای مذهبی به جز مسجد را بتوانیم مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. این بحث مربوط به شرق عالم اسلام و بخصوص خراسان است که خانقاه‌های آن از نیشابور و سرخس تا هرات و مرو گستره بود. استدراک: شغب = فتنه انگیزی حالا وارد یک بحث فنی و معماری می‌شویم. اما پیش از آن به نکته ظریفی باید اشاره کرد که از دید کارشناسان و پژوهشگران حرم شناسی مغفول مانده است. در این قرون که ما از آن سخن می‌گوییم چند در صد از خانقاه نشینان شیعه بوده اند؟ این یک سؤال اساسی است. اما مگر ژرف اندیشان شیعه از آن صفات ذکر شده یا برای رسیدن به آن درجات و ملکات بی بهره بوده‌اند؟ اینجاست که پیروان معصومین علیهم السلام برای رسیدن به آن معرفت‌های والا در برابر خانقاه دست به یک ابتکار جدید زدند. درست مانند همان زمانی که عزاداری بتدریج از حوزه‌های بسته خانوادگی و محفلی بیرون آمده بود و نیاز به مکان وسیع تری داشت و به هر حال تکیه‌ها و حسینیه‌ها شکل گرفت. زیارت قبور اوتاد و پیشوایان دینی در همه ادیان و مسالک مرسوم و معمول بوده است اما نه تنها برای نفس زیارت بلکه بیشتر برای بهره‌های معنوی و اخلاقی و دینی که از آن حاصل می‌شده است. این وجیزه بر این راه نمی پیماید که آداب زیارت بیاموزد یا از ثواب و عقاب صحبت کند یا بهر تقدیر در باره نفس زیارت به تجزیه تحلیل های کلامی بپردازد که آن خود داستانی دیگر دارد و نویسنده در جایی دیگر به آن پرداخته است.

اکنون سخن ما بر سر این است که برای یک زائر رضوی در آن دوره اوج خانقاه نشینی چگونه حرمی باید تعبیه می‌شد و سیر سلوک زائر در حرم چگونه بوده است. زائر نوعاً روبرو یا پائین پای قبر میراد خود ایستاده یا نشسته به دعا و راز و نیاز می‌پرداخت و آرام و زمزه گونه با امام خویش که او را حی و شهید (صیغه مبالغه شاهد) می‌شاهد می‌دانست سخن می‌گفت بدون اینکه بر گرد قبر بچرخد و دچار زحمت شود و از اینرو بود که در دهه چهل شمسی مدیران وقت لازم دیدند با یک معماری حیرت انگیز بالا سر مبارک را اندکی وسیعتر کنند و من هرگز ندیدم که آنان که سودای معرفت افزائی دارند بر گرد ضریح بچرخند یا برای بوسیدن ضریح و تبرک جستن، خود و دیگران را به زحمت اندازند. به هر حال آنان در آن قرون ماضیه در وادی ضریحی از طلا یا نقره نیز نبودند. این آراستن با جواهرات اگر سخنی به گراف نباشد از همسایه شرقی ما یعنی هند آمده است که آنها خدایان خویش را با جواهرات می‌آرایند و برترینها از این طریق معرفی می‌شوند و از همین رو گلد تمپل (معبد طلایی) امریتسر هند پا گرفته است، زیرا که در ذات خود، آن مجسمه‌های سنگی که به جواهر آراسته‌اند چیزی نیستند. اما در اینجا امام به باور باورنده خویش با او سخن می‌گوید و سخن او را می‌شنود. زائر واقعی با حضور در حرم، حاضر و ناظر اعمال خود می‌شود. این سخن تصویر آثانی می‌باشد که حتی سوغات نمی‌خرند چه جای اینکه عکس سلفی بگیرند یا حرم و زیارت را با یک مکان تماشای عوضی پنداشته و فیلم برداری از در و دیوار آن، نهایت خلوص و ارتباط آنان است. یا به قول آن عزیز از دست رفته، محلی برای برگزاری میتینگ های مختلف یا نمایش جلوه‌هایی غیر از ارتباط و زیارت. آقای مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی در سر مقاله یکشنبه یکم دی ماه ۱۳۹۸ چنین نوشته است: غفلت از حال و روز مردم، مختص امروز نیست. از روزی که ساختن بناهای عظیم و لوکس برای وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، مدارس علمیه، مقابر و حرم‌ها شروع شد، این غفلت هم شروع شد. . . . کار به جایی رسید که حتی حرم امام خمینی هم پر از زرق و برق ساخته شد در حالی که او خود الگوی ساده زیستی بود و مسئولین را به تزکیه نفس و ساده زیستی دعوت می‌کرد.

قابل توجه شرکت های تبلیغاتی

هفته نامه ضامن خراسان در نظر دارد

جذب آگهی های خود را به افراد حقیقی

و شرکت های تبلیغاتی واگذار نماید.

متقاضیان برای عقد قرار داد به دفتر

هفته نامه ضامن خراسان مراجعه نمایند.

«پیش‌درآمد



شمال غربی به جنوب شرقی گسترده شده و دیوار ههایی از دامنه کوه‌های بینالود در جهت غربی و با حد فاصله پس از دشت‌های شمالی، ارتفاعاتی در شمال شرقی آن وجود دارد که دارای قلل متعدد و مناظر طبیعی متنوع است. خلج، نام قسمتی از طبیعت زیبای رشته کوه بینالود است که در فاصله ۷ کیلومتری جنوب شرقی شهر مشهد قرار دارد. ارتفاعات خلج به دلیل گسترده گی طولی، با توجه به منظر و شکل ظاهری در نقاط مختلف شامل قسمت‌های متنوعی از جمله قله های کنگره، چینگ کلاغ، معجونی، شیخ بهاو یا چنار است. سدرطق که تامین کننده بخشی از آب مصرفی مشهد به شمار می‌آید سبب طراوت آب و هوا و پر آکنش گیاهان از انواع



بوته‌ای و درختچه در اطراف آن شده و این مکان را تبدیل به یک موقعیت گردشگری برای حضور علاقه مندان به جاذبه های طبیعی نموده است.

«**جغرافیا، زمین و اقلیم**

دسترسی به منطقه نمونه ملی هفت حوض از جنوب شرقی شهر مشهد به سمت خلج و بعد از آن با طی مسافتی به سمت روستای شلگرد و مغان، امکان پذیر است. ارتفاع این منطقه بین ۱۰۵۵ تا ۱۳۹۴ متر متغیر بوده و محدوده بلافل بوبستان هفت حوض با وسعتی تقریبی ۲۲۴۵ هکتار، بخشی از ارتفاعات دامنه شمالی بینالود به شمار می‌آید. فوران زیرزمینی مواد مذاب آتشفشانی در طی میلیون ها سال پیش، در سطح دشت فعلی مشهد و سرد شدن آنها که پس از فرسایش های شدید، به صورت تپه ماهورها و ارتفاعات گرانیتی و همچنین منظرهای زیبایی از اشکال سنگی پدیدار شده، طبیعت زیبایی را خلق کرده که بخشی از آن به صورت هفت حوضچه سنگی در امتداد یکدیگر قرار گرفته است. این ویژگی هفت حوض همواره مورد توجه طبیعت گردان بوده و از دیرباز یکی از مقاصد کوهنوردان بوده است.

«**منظر و چشم انداز های طبیعی**

ارتفاعات پیرامونی منطقه هفت حوض دنباله رشته کوه های بینالود است. در این میان شهر مشهد که در امتداد

هفت حوض، طبیعت گردی در نزدیکی یک کلانشهر

معرفی و بررسی ظرفیت‌های اکوتور بسم در منطقه نمونه ملی گردشگری هفت حوض مشهد

کوهی، سریش و... است. تاکنون از ۳۵ خانواده گیاهی از حدود ۲۰۰ گونه بیش از ۳۰۰ نمونه شناسایی شده است.

«**تنوع جانوری و حیات وحش**

یکی از مهم ترین ظرفیت‌های طبیعی منطقه نمونه گردشگری هفت حوض با وجود منابع آبی، پوشش گیاهی و ویژگی‌های ژئومرفولوژی، ایجاد موقعیتی مطلوب برای زیست حیوانات وحشی و گونه های مختلف پرندگان است. حیات وحش این منطقه شامل پستاندارانی از جمله روباه معمولی، شغال، گرگ گراز، خرگوش، ول حفار افغانی، سنجابک درختی، جرد لبیی، همستر دم‌دراز، موش ورامین (نزوکیالیپدیکا) ورت ترکستانی است. همچنین پرندگان شاخص آن، گنجشک درختی و خانگی، سارگپه معمولی، شاه بوف، جغد کوچک، جغد شاخدار، جغد تالایی، مرغ حق، حواصیل ارغوانی و خاکستری، اگرث، چنگر معمولی، چنگر نوک‌سرخ، بوتیمار کوچک، پی‌قو، دلچبه، ترمتای (نوعی شاهین)، عقاب طلایی، عقاب دشتی، قرقی، دم جنبانک خاکستری، چرخ ریسک تورانی، اردک سرسبز، اردک نوک پهن، خوتکا معمولی، چکاوک معمولی، چکاوک شاخدار - طوقی و هدهدی، هدهد، زنبور خور معمولی و گلو خرمایی، سبزه قبا، بادخورک، کبک، تیهو، کوکر شکم سفید و شکم سیاه، کبوتر چاهی، زاغ، بلدرچین، کمر کلی، سهره طلایی، کور کور سیاه، قمری، کلاغ ابلق و سیاه و سار است. منطقه هفت حوض همچنین محل زیست خزندگانی نظیر لاک‌پشت



همه‌یزدار، لاک‌پشت برک‌های اروپایی، آگامای قفقازی، چکو خانگی، انواع مار شامل کبری، جعفری، افمی معمولی، مارموش، دشتی، لاسرتای البرز، وزغ هندی و مرمری، ارمیاس میانی، مارمولک، قورباغه معمولی و آتامای خراسان است.

«**باشگاه طبیعت گردی و پرندنگری هفت حوض**

پرندنه نگری (bird-watching) فعالیتی است تفریحی که در آن به مشاهده پرندگان در زیستگاه طبیعی خودشان پرداخته می‌شود و یکی از شاخه های اکوتوریسم، است. با وجود آنکه پرندنگری رشته‌ای نوپا در کشور ماست، اما علاقه‌مندان زیادی را جذب خود کرده است. بعضی از پرندنگرهای حرفه‌ای برای تماشای پرند ه ای خاص صدها کیلومتر سفر می کنند تا بتوانند گونه مد نظر خود را ببینند. تا کنون ۵۵۱ گونه پرند ه در کشور ما مشاهده و ثبت شده است که

هفته نامه اجتماعی، سیاسی ضامن خراسان

صاحب امتیاز: مدیرمسئول و سردبیر: حمیده سلیمانی ۰۹۱۵۵۵۹۶۰۸۸

مدیرروابط عمومی : امیررضا علی آبادی - مدیر اجرایی: محمدعلی تمدن - صفحه آرایی: محمدرضا شوشتری
 نئگرام : zamenchorasan@ zamenchorasan: نشانی : مشهد- بلوار پیروزی - رضوی ۴۱- پلاک ۵۴/۱
 تلفن مدیر اجرایی: ۰۹۱۵۵۱۳۰۵۹۷ تلفن روابط عمومی: ۰۳۸۷۸۷۲۸۹-۰۵۳-۳۸۷۸۵۰۵۱- پست الکترونیک: zamennews@gmail.com

شامل پرندگان بومی و مهاجر می شود. پرند نگری از بهترین و سرگرم کننده ترین تفریحاتی است که آرامش بسیار خاصی به گردشگران می دهد و نیاز به تخصص پیچیده ای ندارد.

باشگاه طبیعت گردی و پرندنگری هفت حوض در پی تلاش های مستمر شرکت گردشگری توسعه و عمران هفت حوض در خردادماه ۱۳۹۹ به‌طور رسمی گشایش یافت. این باشگاه با آماده‌سازی فضای آموزشی مجهز به فناوری‌های نوین، تهیه تجهیزات اپتیک (دوربین‌ها و تلسکوپ‌های حرفه‌ای) و بهره‌گیری از متخصصان اساتید پرندنگری و حیات وحش، دوره‌های آموزشی مقدماتی و پیشرفته پرندنگری را برای علاقمندان برگزار کرده و آمادگی دارد تا برنامه‌های آموزشی متنوعی را در این زمینه به شهروندان ارائه نماید.

«**ثبت ملی اثر طبیعی منظر هفت حوض**

پارک طبیعی هفت حوض مشهد به شماره ۵۹۸ مورخ ششم شهریور ماه ۱۳۹۸ در فهرست آثار طبیعی ملی به ثبت رسیده است. بر اساس بند الف و ب آیین نامه اجرای تبصره ماده ۲ قانون تشکیل میراث فرهنگی و گردشگری مناظر طبیعی، رویشگاه گونه‌های گیاهی طبی، مناظر طبیعی، مخره سنگی، کوه، چشمه، تپه و رودخانه از جمله مواردی است که بر اساس این قانون مشمول ثبت در فهرست آثار ملی ایران می‌شود. هفت حوضه‌های که در این منطقه در امتداد هم قرار دارند، به اندازه یک استخر هستند و آب از حوضچه اول به حوضه‌های دیگر می‌ریزد. این پدیده طبیعی حوض‌ها یا «دولین‌های» متعدد، بر اثر فرایش از شیمیایی توسط باران‌های اسیدی در بستر فیش از سرشاخه‌های رودخانه طرق از ارتفاعات شمالی بینالود شکل گرفته‌است.

«**امکانات و زیرساخت‌های گردشگری**

از ابتدای سال ۱۳۹۲ با تشکیل شرکت گردشگری توسعه و عمران هفت حوض در شهرداری مشهد، فعالیت‌های عمرانی و فضای سبز در منطقه در حال انجام و مقدمات ایجاد یک سایت تفریحی-گردشگری آغاز شده است. این منطقه گذشته از جاذبه های طبیعی، دارای جنگل های دست کاشت در سطحی معادل ۳۲ هکتار و سکو و آلاچیق جهت استفاده گردشگران، امکانات رفاهی و بهداشتی و... است. پیاده رو و پیاده راه سازی به طول حدود ۵ کیلومتر، محوطه سبز در سطحی معادل ۱۵۰۰ متر مربع، ایجاد سکو و آلاچیق به تعداد ۱۰۰ عدد، ایجاد ۳۵۰ جای استاندارد پارک خودرو، توسعه جنگل های دست کاشت ۳۵ هزار اصله و در سطحی معادل ۴۰ هکتار، ایجاد شبکه آبیاری تحت فشار در کل عرصه های جنگل کاری شده، توسعه فضای سبز معابر و محوطه ها در سطحی معادل ۵۵۰۰ متر مربع، توسعه سیستم روشنایی معابر، پارکینگ ها، محوطه ها پیاده راه ها که بخشی از آن از انرژی خورشیدی بهره می برد، احداث پل حدفاصل محوطه اسک و آلاچیق ها، احداث چهار مخزن بتنی ذخیره آب به حجم کل ۱۲۵۰ مترمکعب، راه‌اندازی کافی‌شاپ و رستوران سنتی در محوطه اصلی بوستان، ایجاد ۴ زمین ورزشی روباز (فوتبال، والیبال، بسکتبال و بدمینتون) و ایجاد ۳ مجموعه سرویس بهداشتی با پارکندگی مناسب در سطح منطقه به تعداد مجموع ۳۴ چشمه از اهم فعالیت‌های عمرانی و زیرساخت‌های گردشگری این منطقه از بدو تاسیس تاکنون بوده‌است.

• **مهدی زارعی کلات**

مدیرعامل شرکت گردشگری توسعه و عمران هفت حوض



• **سید محمد امام پور**

شرایط بسیار سخت شدیم. در بخش دیگر این مراسم مائده اکبری، بازیگر نقش مهسا در فیلم کوتاه فندک، خاطرنشان کرد: شخصیت مهسا برون‌گرا و خودمحمور بوده و می‌خواهد به‌خاسته خود به‌هر نحوی برسد. چالش‌های درونی در کار وجود دارد که می‌تواند برای مخاطب جذاب باشد.

وی اضافه کرد: قبل از فیلم‌کوتاه فندک تجربه ۴ فیلم‌کوتاه، ۲ تله‌فیلم و یک سریال داشتم و همکاری با عوامل این اثر هنری برایم یک تجربه خوب بود. بازیگر فیلم‌کوتاه فندک با ذکر این نکته که استعدادها با حمایت مسئولان است که شکوفا می‌شوند، افزود: شروع کار هنری از مجده به‌لحاظ شرایط خاصی که دارد سخت است، اما کسانی که می‌خواهند در حوزه هنر کار کنند ناامید نشوند، همچنین از ظرفیت رسانه‌ها و حمایت مسئولان ارشاد هم نباید غافل شویم. همچنین رامین رمضانیان، نویسنده فیلم‌کوتاه فندک، تصریح کرد: این اثر طرح کوتاه کم‌دی بوده که بر اساس موقعیت شکل می‌گیرد. این کار رویداد معمولی بوده که می‌تواند فانتزی باشد. وی با اشاره به این که قالب اصلی اثر هنری موضوع اجتماعی بوده‌است، تأکید کرد: فیلم‌کوتاه فندک آسیب‌های کنش‌های غلط مانند ازدواج ناآگاهانه را به تصویر می‌کشد و این اثر نشان می‌دهد که تغییر تصمیم یکی از طرفین به‌دلیل رفتارهای نادرست طرف مقابل می‌تواند وضعیت فرد را به کلی تغییر دهد.



وی با بیان این که فیلم‌کوتاه فندک اولین کار هنری‌ام بود و بسیار خوشحالم که با عوامل و هنرمندان با تجربه کار کردم، افزود: من علاقه زیادی به کارهای هنری دارم. صداقت در کار مجرد کاهانی موجب همکاری من با این اثر هنری در دو بعد مالی و هنری شد. اگر چنین پیشنهادی از سوی مسئولان ارشاد می‌شد موافقت نمی‌کردم. این کار در مدت زمان ۳ روز و با کمترین امکانات ممکن تولید شد.

بازیگر فیلم‌کوتاه فندک بیان کرد: کل کار در شهر فیلم‌کوتاه فندک، گفت: بابک شخصیتی دو رو دارد و به‌جهت موقعیت مالی خوبی که داشته و پول به دنبال رسیدن به موقعیت بهتر به هر نحو (درست یا غلط) است.

دوم کرونا خواهد بود و به‌جهت شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی در روسیه، لبنان، افغانستان، تاجیکستان، ترکیه و یونان فعلاً کار آن عمومی نداریم و این بخش را به بعد از جشنواره موکول کرده‌ایم. وی با ذکر این نکته که دغدغه کنونی من جوانانی هستند که به‌علت بی‌مهری مسئولان دیده‌نشده‌اند و استعدادهایشان شکوفا نشده است، تأکید کرد: خواسته هنرمندان این است موانع موجود از سرراهشان برداشته شود نه آن که سنگین‌تر از قبل باشد و جامعه هنری همواره خواستار اجرای عدالت در تمامی حوزه‌ها از جمله حوزه هنر هستند.

کارگردان فیلم‌کوتاه فندک با طرح این سوال که چرا مجده به‌علت بی‌مهری در مجلس در کسب رتبه برتر در جشنواره‌های ملی و بین‌المللی داریم. وی افزود: این اثر هنری یک کار کم‌دی بوده و روایتگر ازدواجی احساسی و ناآگاهانه بوده که همانند یک عشق نافرجام است و زن قصد و نیت کشتن مرد مورد علاقه‌اش را دارد. کارگردان فیلم‌کوتاه فندک با بیان این که این اثر هنری با همکاری گروه صنعتی کالای چوب پرزاد و در قالب موضوعات اجتماعی و خانوادگی در مشهد تولید شده است، خاطرنشان کرد: فیلم‌کوتاه فندک ۱۲ دقیقه‌ای بنا بود ۲۰۰۰ متر دو کرونه ۳ دقیقه به‌تعمیق شود که به‌جهت شیوع موج دوم کرونا ۳ هفته به‌تعمیق افتاد و این مراسم که در روز عید سعید قربان برگزار شد همراه با رعایت کامل دستورالعمل‌های بهداشتی بود. مجرد کاهانی تصریح کرد: اگران خصوصی پس از موج